



۷ گروه سمی که در شبکه‌های اجتماعی آرامشان را به هم می‌زنند

رابرت گرین، نویسنده کتاب «قوانین طبیعت بشری» هفت گروه را معرفی می‌کند که در شبکه‌های اجتماعی، در نبود ارتباط رودرروی کاربران، آرامش بقیه را به هم می‌زنند. وی در این کتاب همچنین راه‌هایی برای مهار کردن قدرت مغرب آنها پیشنهاد می‌دهد. گرین نویسنده‌ای امریکایی است که شش کتابش در سطح جهان پر فروش شده‌اند و برخی یادداشت‌های او را می‌توان در نیویور کر، نیویورک تایمز، اسلستیت و واشنگتن پست پیدا کرد.

این مطلب برگرفته از کتاب قوانین طبیعت بشری (The Laws of Human Nature) است که با عنوان «رابرت گرین هفت گروه از افرادی را معرفی می‌کند که در شبکه‌های اجتماعی آرامشان را به هم می‌زنند» و با ترجمه میترا دانشور در ویسایت ترجمان منتشر شده است. مقاله گرین را با اندکی تلخیص در ادامه می‌خوانید.

■■■■

روال آرم و بی‌تش زندگی اجتماعی همیشه وابسته به پذیرش و پایبندی به محدودیت‌های اساسی و مشخصی برای رفتار سوده است. نمی‌توانیم به‌سادگی هر چه می‌خواهیم بگوییم یا انجام بدهیم یا به افراد توهمین کنیم، بدون اینکه برایش توانی مثل انزوا، طرد شدن و... نبرد ایم. اما چه می‌شود اگر دیگر مجبور نباشیم برای خشن یا بددهان بودن، احساس شرمندگی کنیم؟ و چه می‌شود اگر مؤلفه حضور فیزیکی افراد را حذف کنیم که اغلب مانع رفتار بی‌دانه می‌شود؟ آن افرادی در بنیمان که کنترل خودشان دستشان از ما دور است تا در خودخواهی بی‌مرزشان افراط کنند و زندگی اجتماعی مهیب شود.

این سناریوی است که در رسانه‌های اجتماعی با آن مواجه هستیم، جایی که هیچ‌اصول واقعی یا محدودیتی برای پایبندی وجود ندارد، نیاز به خودتنظیمی کمی هست و هیچ‌گونه حضور فیزیکی نیست که با آن دست‌وپنجه نرم کنیم. افراد نه تنها هیچ توانی برای رفتار بی‌دانه و سمی‌سختی نمی‌پردازند، بلکه می‌توانند افرادی را ذهنیت مشابه پیدا کنند که آنها هم احساس می‌کنند یا ممنوعیت‌های فریخته زندگی اجتماعی اذیت و محدود شده‌اند. آنها می‌توانند نوعی قبیله سمی شکل بدهند که به خودشی اعتیابی می‌بخشد. این مدل افراد، که اجازه دارند در رسانه‌های اجتماعی آزادانه بچرخند، اغلب تجربه زندگی بقیه‌مان را خراب می‌کنند.

در کنار آمدن با این مدل افراد با وضعیت دشواری روبه‌رو هستیم، آیا ما آنها را تحت‌فشار قرار بدهیم، از خودمان در برابر آزارهایشان دفاع کنیم و ریسک دعوی‌ارزشی را به جان بخیریم؟ یا کنار بکشیم و اجازه دهیم بدون اینکه مجازات شوند، به ما حمله کنند؟ جواب این وضع بفرنج اغلب بستگی به طبیعت می‌کند و کاستی فرد سمی مقابلمان دارد. در ادامه، هدف منل را بچ افراد سمی معرفی می‌شوند که در رسانه‌های اجتماعی با آنها مواجه می‌شویم و مناسب‌ترین استراتژی‌ها برای مقابله با مدیریشان نیز گفته می‌شود.

۱- دم به تله دادیم و خودمان ندیم

شاید موفقیتی در حوزه یا پروژه خاصی داشته باشیم و وقتی ذات حمله‌گانه شویم، می‌توانیم جلوی خودمان را بگیریم که دم به تله آنها ندهیم. اگر باعث آسیب جدی به حیثیت ما می‌شوید، می‌توانیم مؤدبه و یا خون‌سردی از خودمان دفاع کنیم؛ به بی‌منطقی استدلال‌هایشان اشاره کنیم و این آخرین حرفمان در این‌باره باشد. در صورت لزوم همیشه می‌توانیم پشتیبان ظاهر شویم، ظاهراً با آنها موافقت کنیم و با شوخی خودمان را دست بیندازیم و حسادت آنها را فریبناشیم و خشتی کنیم.

۲- مهاجمان منفعل، ظاهر منصف و متمدنی دارند

وسط بحث این‌ها همیشه کم صدایی اجتناب‌ناپذیر ظاهر می‌شود و این موضوع علنی شود. در نقطه‌ای، ناگهان خودمان را زیر حمله دوست با فالوری در رسانه‌های اجتماعی مان می‌بینیم. ما این فکسر تنها می‌مانیم که این‌س حمله از کجا می‌آید. شاید کمی به خودمان شک کنیم، اما بعد میل به دفاع از خودمان وارد عمل می‌شود و یا حرارت از موقعیتمان دفاع می‌کنیم و نبردی ادامه‌دار شکل می‌گیرد. بااین‌حال، در نهایت، باز هم کمی احساس ناراحتی می‌کنیم و حسرت می‌خوریم که چرا آنقدر درگیر شده‌ایم. شاید حتی حس کنیم دم به تله داده‌ایم و دعوی‌ار را شروع کرده‌ایم که آن فرد خواهانش بود.

وقتی ذات حمله‌گانه شویم، می‌توانیم جلوی خودمان را بگیریم که دم به تله آنها ندهیم. اگر باعث آسیب جدی به حیثیت ما می‌شوید، می‌توانیم مؤدبه و یا خون‌سردی از خودمان دفاع کنیم؛ به بی‌منطقی استدلال‌هایشان اشاره کنیم و این آخرین حرفمان در این‌باره باشد. در صورت لزوم همیشه می‌توانیم پشتیبان ظاهر شویم، ظاهراً با آنها موافقت کنیم و با شوخی خودمان را دست بیندازیم و حسادت آنها را فریبناشیم و خشتی کنیم.

۳- مهاجمان منفعل، ظاهر منصف و متمدنی دارند

وسط بحث این‌ها همیشه کم صدایی اجتناب‌ناپذیر ظاهر

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱



در رسانه‌های اجتماعی هیچ‌اصول واقعی یا محدودیتی برای پایبندی وجود ندارد، نیاز به خودتنظیمی کمی هست و هیچ‌گونه حضور فیزیکی نیست که با آن دست‌وپنجه نرم کنیم. افراد نه تنها هیچ توانی برای رفتار بی‌دانه و سمی‌شان نمی‌پردازند، بلکه می‌توانند افرادی با ذهنیت مشابه پیدا کنند که آنها هم احساس می‌کنند یا ممنوعیت‌های فریخته زندگی اجتماعی اذیت و محدود شده‌اند. آنها می‌توانند نوعی قبیله سمی شکل بدهند که به خودش اعتبار می‌بخشد. این مدل افراد، که اجازه دارند در رسانه‌های اجتماعی آزادانه بچرخند، اغلب تجربه زندگی بقیه‌همان را خراب می‌کنند.

مراقب باشید به دست ترول‌های مجازی ترور نشوید!

وژست مقتدرانه‌شان باعث ارباب افراد شود.

وقتی مقابل این نوع افراد قرار می‌گیریم، باید پشت زشتشان را ببینیم. وقتی وارد بحثی با آنها شوید که از آن می‌ترسند، به تعمیم‌هایشان اعتراض کنید و درباره منابعشان بپرسید، مجبور می‌شوند با چیزی در کشدنی که پشت تمام آن انواع زبان وجود دارد، به حرف‌هایشان اعتبار ببخشند. مجبورشان کنید آنچه واقعا می‌گویند را آشکار کنند تا همه به کم‌مایگی ایده‌هایشان پی ببرند.

۴- یک عذر خواهی ملایم از مبارزان خشمگین

وارد بحثی درباره هر موضوعی می‌شویم و حرفی می‌زنیم که است که ما اصراً خودمان بی‌خطر یا بدبهی است. بعد، ناگهان تحت حمله غضب‌آلود کسی قرار می‌گیریم که ما را به بی‌تفاوتی بی‌شورانه و ایستادگی در مقابل پیشرفت متهم می‌کند. شاید اظهارنظرمان نه حرفی قطعی که اندیشه‌ای گذرا باشد، یا کمتی کنایه در آن باشد یا زمینه خاصی داشته باشد و به زنجیرهای از بحث‌هایی مربوط باشد که در چنین رسانه‌ای نمی‌توانیم با جزئیات توضیحش دهیم. اما فردی که ما را به گناه اخلاقی فاحشی متهم می‌کند فرض را بر این گذاشته است که ما اصراً فردی بی‌خطر یا بدبهی است. جواب آتش را باید با آتش توهین آمیز است، همیشه جلوی جمع بازی می‌کنند، آنقدر دنبال به دام انداختنمان است تا از کوره دربرویم.

با شناخت این مدل افراد که صریح حرف نمی‌زنند، نباید در دام جواب مستقیم به آنها بیفتیم. جواب آتش را باید با آتش داد. بدون اینکه تهاجمی یا عصبانی شوید، از تاکتیکی که استفاده می‌کنند صحبت کنید و با آرامش ذات حمله‌شان را افشا کنید. اینه را مقابلشان بگیرید و با ربط‌دادن مسائل یا استدلال آدم پوشالی، به‌نحوی گناه را به خودشان برگردانید که ذات نامطمئنشان را آشکار و اوضاع را عوض می‌کند.

۳- فریب پهلوان پنبه‌های روشنفکر را نخوریم

خودمان را در گفت‌وگو یا بحث با کسی می‌بینیم که اعتمادبه‌نفس فوق‌العاده‌ای از او ساحت می‌شود. سبک نوشتنن هم بسیار پیشگیرانه است. شاید به آدم‌های مهم و برجسته روشنفکر ارجاح بدهد؛ اسنگار این کار به ایده‌هایش تقدس می‌بخشد. یا به‌صورت متوالی و به سرعت باد یا مقداری زیادی آمار، تحقیق و نقل‌قول‌های معروف به گفته‌های تحکیم‌آمیزش اعتبار می‌بخشد، آنقدر سریع که نتوانیم اعتراض کنیم یا کنترلی بر بحث داشته باشیم. آنها از تعمیم‌ها و زبان‌های مختلف دانشگاهی و علمی استفاده می‌کنند که ظاهراً با موقعیت ما در تناقض است. با چنان باور راسخ و اقتداری بحث می‌کنند که افراد زیاد دیگری تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند یا به وحشت می‌افتند و باور می‌کنند که با متفکری مهم روبه‌رو هستند.

هیچ‌وقت نباید به خودمان اجازه بدهیم این‌س مدل افراد مرعوبمان کنند؛ آنها پهلوان پنبه هستند. در رسانه‌های اجتماعی می‌توانند ادای فرد روشنفکری را در بیاورند، اما اگر می‌توانستیم پشت پرده را ببینیم، فردی را می‌دیدیم که غرق در تشویب است. تفاوت بین لحن و منزلت واقعی آنها، زیادی ناچور و خنده‌دار است. اما در رسانه‌های اجتماعی می‌توانند این مسئله را مخفی کنند. اگر به‌دقت به ایده‌های واقعی آنها نگاه کنیم، پشت تمام آن رجزخوانی‌ها، ارزش کمشان را می‌بینیم. آنها روی این حساب می‌کنند که لحن



«تول‌ها، تحریکگرها، مزاح‌ها و فتنه‌کنندگان فضای مجازی

بی‌مقدمه‌بی‌تعارف



اندر حکایت معجزات تلفن همراه

ما همه را سر به زیر کردیم

کنید تا ایشان شما را به بهترین راه برای تأثیر بر مردم راهنمایی کنند.»

پس از سخنرانی و تجلیل از گوشی‌های نسل قدیم، یازده صفر یک، سی و سه ده، آخرین وزن گوشی دنیا جناب آقای ایکس به ارائه مانیفست پرداخت: «باینکه از جدایی سونی از اریکسون هنوز ناراحتیم، اما خرسندیم همین موضوع باعث جدایی نادر از سیمین شد و فیلمش با آن پایان باز هنوز هم مهیم مانده، ما خوشحالیم که در وجود تمام خانه‌ها حضور داریم. قلب تپنده زن و شوهرها مایم چراکه تا صدای آلارام ما بیاید، به سمت ما شیرجه می‌زنند، ببیند چه کسی پیام داده است. این درحالی‌است که اگر مردی به خانه بیاید، آمده که آمده‌ه چیز جدیدی نیست، ما همه مردم را سر به زیر کردیم. در مترو، کوچه، خیابان، حتی در مهمانی‌ها همه سرها همیشه، حضور فعال در مخابرات پیدا کردند. هرچه داشتند فروختند ده‌ها خط ۰۹۱۲ بخردند. طبق عادت بنگارند زیر فرش، بردارند. در آن روزگار مخابرات زحمات می‌کشید یک گوشی تلفن همراه به اندازه پاره اجر، سنگین، شنبه‌ی بی‌سیم پلیس، به مشترکان ارائه می‌کرد. نهایت آبدیت از گوشی‌های این بود که بعدها صفحه‌نمایشگرش سبز شد و این در حالی بود که شرکت‌هایی مانند سونی اریکسون در همان دوران گوشی تولید کرده بود از یک دست کوچک‌تر.

داشتن موبایل نشانه‌هایی از قبیل تمدن، مایه‌داری، مدر روز بودن، چشم‌تون کور شه شما ندارد و... بود. شب هر کسی هم نقد‌ها پول نداشت بتواند یک کار با گوشی بخرد. استفاده‌کنندگان به شکل جالبی که این روزها خنده‌دار به نظر می‌رسد، گوشی به آن بزرگی راه می‌کمرند خود، به‌صورت عمودی با گیرهای این‌س نصب می‌کردند. گاهی این گیره آهنی آنقدر تیز بود یا دو سه بار در آوردن بزرگ‌ش از محل استقرارش، کمربند پاره می‌شد.

آن روزها ۹۹ درصد به موبایل می‌گفتن موبایل، چه صدای خیلی بلند با گوشی حرف می‌زدند، اگر با کسی حرف می‌زدند و نیاز بود از حرکات دست استفاده کنند حتماً گوشی‌شان را به نشانه آنکه «لدت بسوزد من دارم تو نداری» در دست گرفته و...

بااور کنند اگر همین گوشی معروف به گوشت‌کوب که هم‌اکنون چیزه‌نیاکان گوشی‌های امروزی به حساب می‌آید، زنده می‌زند: «هن خودم هم فکرش رو نمی‌کردم فرزندانم اینقدر شما را به خود وابسته کنند.» به گزارش بی‌مقدمه بی‌تعارف، سال گذشته انتصاب تجلیل از گوشی‌های نسل قدیم و انتصاب چند گوشی جدید، در خواب این سستون طنز بر گزار شد که برایشان خواهم نوشت:

این مراسم ابتدا با سخنرانی گوشی یازده دوصفر شروع شد. ایشان با ابراز رضایت جد بزرگ (که از تمام گوشی‌های دنیا بزرگ‌تر و معروف به پاره‌اجری بود)، خاطرنشان کردند: «پدر مدام در خواب بنده می‌آیند و به داشتن نوه نتایج‌هایی مانند شما افتخار می‌کنند و همیشه نصیحت می‌کنند که رفتار خوب مهم است، نه اینکه شما اندرویدی یا «یواس» سر، دوتا‌ای سسی تزذیه خودتان را خراب نکنید.

این مردم بدون شما دیگر نمی‌توانند زندگی کنند. به نوه من یازده دوصفر اعتماد کنید، تکرار می‌کنم همه با هم به یازده دوصفر اعتماد

داریم، زیاندر خاص و عام هستیم. یکی هم نیست بفر مایند: جوان! این همه اخبار بد منتشر کردی، شد یک خبر خوب به مادرت برسانی که من در دانشگاه قبول شدم؟ یا تولد فلانی است مبارک باشد؟ شد یک بار جای این همه چت‌های بی‌هوده، فوروزاد کردن حرف‌های صد من یک غزا کانال‌های بی‌هویت، سرک کشیدن در پروفایل‌های دیگران و...، یک بار گوشی‌ات را زمین بگذاری دست رو به آسمان بلند کنی خدا را به‌خاطر خیلی چیزهایی که خودت می‌دانی شکر کنی؟ شد گوشی‌ات را نوه نتایج‌هایی مانند شما افتخار می‌کنند و همیشه نصیحت می‌کنند که رفتار خوب مهم است، نه اینکه شما اندرویدی یا «یواس» سر، دوتا‌ای سسی تزذیه خودتان را خراب نکنید.



طرف دارد حرف می‌زند صدایش را ضبط می‌کنند. یکی در حادّه‌ت دارد جان می‌دهد با او سلفی می‌گیرند. خانمی در برف لیز می‌خورد یا پیش می‌شکند، فیلم می‌گیرند سریع می‌توانند خودت می‌دانی شکر کنی؟ شد گوشی‌ات را نوه نتایج‌هایی مانند شما افتخار می‌کنند و همیشه نصیحت می‌کنند که رفتار خوب مهم است، نه اینکه شما اندرویدی یا «یواس» سر، دوتا‌ای سسی تزذیه خودتان را خراب نکنید.

«مددکار اجتماعی